

## نقد متنی کتاب مقدس

سید علی مرکی<sup>۱</sup>

### چکیده

سال‌ها پیش، اکثریت مسیحیان بر این اعتقاد بوده‌اند که کتاب مقدس، کلمه به کلمه از جانب خدا وحی شده و هیچ خطایی در آن وجود ندارد، اما جالب است بدانیم که امروزه، اغلب محققان مسیحی مخالف این دیدگاه بوده و کتاب مقدس را، کتابی کاملاً صحیح و بی‌خطا نمی‌دانند. مشکل این جاست که اعتقاد مردمان مسیحی امروزی به روز نشده و هم‌چنان شبیه مسیحیان قرون وسطی، کتاب مقدس را کتابی بی‌خطا به حساب می‌آورند. علت این امر این است که نتایج تحقیقات محققان، در فضای دانشگاهی باقی مانده و وارد کلیساها نشده و بدین جهت، مسیحیان از واقعیت کتاب مقدس بی‌خبر مانده‌اند. از جمله علومی که بررسی وثوق کتاب مقدس می‌پردازد، دانشی به نام «نقد متنی» می‌باشد که ما در این نوشته براساس متدولوژی نقد متنی به بررسی اعتبار و صحت کتاب مقدس می‌پردازیم و شواهدی بر عدم وثاقت کتاب مقدس، ارائه خواهیم داد.

**کلیدواژه‌ها:** جریان روشن فکری، نقادی کتاب مقدس، نقد پیشین، نقد پسین، نقد متنی، تحریف، نسخه برداری.

۱. کارشناس ارشد الهیات مسیحی.

## مقدمه

یکی از مهم‌ترین گفت‌وگوهای که میان مسلمانان و مسیحیت صورت می‌گیرد، بحث از تحریف کتاب مقدس است. بسیاری از مسلمانان در این گفت‌وگوها از تحریف کتاب مقدس سخن می‌گویند اما کمتر می‌توانند شاهدهی عینی از نسخه‌های خطی کتاب مقدس اقامه کنند و این امر، اعتبار سخنان آنان را زیر سؤال می‌برد. به علت اینکه ایشان به زبان‌های عبری و یونانی تسلط نداشته و از طرفی، به نسخه‌های خطی کتاب مقدس نیز، دسترسی کافی نداشتند. اما امروزه با توجه به جریان «روشن فکری» در غرب که موجب تشکیک و ثوق کتاب مقدس گردیده است، دانشمندان غربی مطالعات گسترده‌ای در خصوص کتاب مقدس انجام داده‌اند. مطالعاتی که در بسیاری بخش‌ها، عقیده رایج بر وحیانی بودن کتاب مقدس را زیر سؤال برده و از تحریفی بودن آن پرده برداشته است.

بحث ما در این نوشتار به بررسی آرای مسیحیان در مورد کتاب مقدس و سیر تاریخی آن باز می‌گردد. دانستن این مضامین، به مبلغین مسلمان کمک می‌کند تا با ادبیاتی مشترک به گفت‌وگو با مسیحیان بنشینند و برای اثبات نظریه تحریف در کتاب مقدس، اسناد تاریخی محکم‌تری ارائه دهند. در این نوشتار، ابتدا با جریان «روشن فکری» آشنا خواهیم شد و سپس به بررسی «نقادی کتاب مقدس» به شکل عام، و «نقد متنی عهد جدید» به شکل خاص، خواهیم پرداخت و سعی می‌کنیم تا جایی که ممکن است، مثال‌هایی واضح برای تغییر و تحریف در کتاب مقدس بیان کنیم.

## نقادی جدید کتاب مقدس

نقادی جدید کتاب مقدس، عبارتی جامع از رشته‌های متفاوتی است که امروزه توسط جریان اصلی مسیحیت و همچنین الهی‌دان‌های لیبرال مسیحی، برای مطالعه بر معانی عبارات کتاب مقدس، مورد استفاده قرار می‌گیرد. محققان در نقادی جدید کتاب مقدس، بجای تکیه بر وحی، از علم بشری استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

## تاریخچه نقادی کتاب مقدس

تاریخ «نقادی کتاب مقدس»<sup>۲</sup> به صورت یک جریان گسترده و یک رشته علمی، به قرن ۱۷ و ۱۸ میلادی و عصر «روشن فکری» باز می‌گردد. قبل از این دوره، تنها

1. Robinson, 2008.  
2. Biblical Criticism.

آثاری پراکنده و فعالیت‌هایی فردی در این خصوص وجود داشته که گستردگی و عمق و تأثیر این تلاش‌ها، هرگز با آنچه در قرن هجدهم و در اثر جریان روشن فکری رخ داده، قابل مقایسه نیست.<sup>۱</sup>

باید دانست که کلمه «نقادی» در این علم، معنایی منفی ندارد، به این معنی که این علم، ذاتاً تلاش می‌کند تا چهره‌ای سیاه و غیر مقدس از کتاب مقدس ارائه دهد، البته باید گفت که چنین انگیزه‌هایی در تاریخ این علم قابل مشاهده است.<sup>۲</sup>

### گستره نقادی جدید کتاب مقدس

امروزه سبک‌های نقادی کتاب مقدس، در دو دسته عمده به نام‌های «نقد پیشین»<sup>۳</sup> و «نقد پسین»<sup>۴</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد. نقد پسین نامی است که بر مجموعه‌ای از سبک‌ها مانند: «نقد منبع»<sup>۵</sup>، «نقد ویرایشی»<sup>۶</sup>، «نقد سنت»<sup>۷</sup> و «نقد قانونی»<sup>۸</sup> اطلاق می‌شود.<sup>۹</sup>

از طرفی دیگر، نقد پیشین تنها شامل «نقد متنی»<sup>۱۰</sup> می‌شود. از این جهت، امروزه نقد پیشین با نام نقد متنی شهرت یافته است.<sup>۱۱</sup>

نقادی جدید کتاب مقدس زمانی بالندگی لازم را بدست می‌آورد که نقد پسین به همراه نقد متنی مورد استفاده قرار گیرند، و حال آن‌که امروزه این دو علم از هم جدا شده‌اند و در این جدایی، هم نقد پسین و هم نقد پیشین، توانایی‌های بالقوه خود را از دست می‌دهند. محققان معاصر امروزی به سبب جدایی نقد پسین و نقد متنی، با محدودیت‌های زیادی در تحقیقات خود مواجه می‌شوند.<sup>۱۲</sup>

علت جدایی این دو رشته این است که برنامه‌های درسی دانشگاهی، دانشجویان را مجبور می‌کند تا از نقد پسین و نقد پیشین، تنها یک مورد را انتخاب کنند به همین علت که یک دانشجوی، تنها می‌تواند در یکی از رشته‌های نقد پسین و یا نقد متنی، به مطالعه و تحقیق پردازد.<sup>۱۳</sup>

۱. سلیمانی، بی تا.

2. Freedman, Myers, p. 183.  
3. Lower Criticism.  
4. Higher Criticism.  
5. Source Criticism.  
6. Redaction Criticism.  
7. Traditional Criticism.  
8. Canonical Criticism.  
9. Fuller, 2012, p. 252.  
10. Textual Criticism.  
11. Tov, 1992, p.17.  
12. Colwell, 1948.  
13. Colwell, 1948.

اکنون که با کلیتی از نقادی کتاب مقدس آشنا شدیم، اکنون می‌خواهیم بحث خود را بر روی «نقد متنی» متمرکز کنیم و بینیم محققان در این علم، چه نگاهی به کتاب مقدس دارند.

## نقد متنی کتاب مقدس

### تعریف نقد متنی

پیش از بیان تعریف نقد متنی، لازم است مقدمه‌ای برای فهم بهتر این تعریف بیان کنیم.

هنگامی که در مورد کتاب‌های قدیمی مانند کتاب مقدس و دیگر کتاب‌های باستانی سخن می‌گوییم، باید این نکته را در ذهن داشته باشیم که آن‌چه امروزه به عنوان این کتاب‌ها در دست داریم، نسخه‌های اصلی آن‌ها نیست. بلکه حاصل سال‌ها نسخه برداری می‌باشد. این مسئله زمانی یک مشکل تلقی می‌شود که می‌فهمیم نسخه برداران، در طی فرآیند نسخه نویسی، مرتکب اشتباهاتی شده‌اند و این اشتباهات وارد نسخه آنان شده است. این مشکل زمانی جدی‌تر می‌شود که می‌فهمیم نسخه برداران بعدی نیز، در حین نسخه برداری، مرتکب خطاهایی می‌شدند و خطاهای نسخه بردار قبلی با خطاهای نسخه برداران بعدی جمع شده است و در نتیجه، نمی‌توان گفت آن‌چه امروز با عنوان کتاب مقدس در دست ماست، صرفاً همان چیزی است که توسط نویسندگان حقیقی کتاب مقدس نگاشته شده است.

پس از بیان این مقدمه، درک بهتری از تعریف نقد متنی خواهیم داشت: «نقد متنی دانش و هنری است که سعی در مشخص نمودن موثق‌ترین قرائت یک متن دارد»<sup>۱</sup>. به عبارتی دیگر، این علم با هدف دستیابی به قدیمی‌ترین و قابل اعتمادترین نسخه‌ها، به مطالعه متون استنساخ شده قدیمی می‌پردازد. روش کار محققان در این رشته، کشف و اصلاح خطاهایی است که در نسخه برداری صورت گرفته است.

علت نام گذاری این علم به «نقد پیشین» این است که، نقد متنی، بر بحث در مورد مفاهیم و دلالت‌های یک متن، تقدم رتبی دارد. در این علم، ابتدا سعی بر این است که وثوق متن مورد نظر را مورد بررسی قرار دهیم تا به این شکل، زمینه برای تحقیقات بیشتر فراهم شود. به عبارتی دیگر، این

1. Wegner, 2006, p.24.

علم، در ابتدا به ما می‌گوید که متن مورد نظر، متنی معتبر و مربوط به کتاب مقدس می‌باشد. محققان پس از اینکه از وثوق متن مورد نظر اطمینان حاصل کردند، در مورد دلالت‌ها و مفاهیم آن به بررسی می‌نشینند. بنابراین، این علم به منزله پایه‌ای برای تفسیر کتاب مقدس می‌باشد.<sup>۱</sup>

### تمایز نقد متنی عهد قدیم و عهد جدید

کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه نقد متنی نوشته می‌شوند، عمدتاً یا به نقد متنی عهد قدیم و یا نقد متنی عهد جدید اختصاص پیدا می‌کنند، چرا که نقد متنی عهد قدیم، علمی متفاوت از نقد متنی عهد جدید می‌باشد.

لازم به ذکر است که نقد متنی عهد قدیم و نقد متنی عهد جدید، علی‌رغم اشتراکات فراوانی که دارند، دو علم متفاوت شمرده می‌شوند. متفاوت بودن این دو علم بدان جهت است که روش‌های مورد استفاده برای بررسی این متون، متفاوت می‌باشد. برای مثال، امروزه بیش از ۲۴۰۰۰ نسخه خطی از عهد جدید در دست داریم<sup>۲</sup> و حال آن‌که نسخه‌های عبری موجود از عهد قدیم، یک دهم این مقدار هم نمی‌باشد و تعداد کمی از آن‌ها، تمام عهد قدیم را در خود جای داده است.

تفاوت دیگر عهد جدید و عهد قدیم این است که زبان اصلی نسخه‌های عهد جدید، زبان یونانی می‌باشد و قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از عهد جدید در دست است نیز، به این زبان نوشته شده‌اند؛ بدان معنا که نسخه‌های قدیمی ترجمه‌ای نیستند. اما شرایط نسخه‌های عهد قدیم متفاوت است، به این صورت که زبان قدیمی‌ترین نسخه‌هایی که از عهد قدیم در دست است، زبان یونانی می‌باشد و حال آن‌که عهد قدیم، در اصل به زبان عبری نوشته شده است. بنابراین، قدیمی‌ترین نسخه‌های عهد قدیم، ترجمه شده می‌باشد و تفاوت زبان این نسخه‌ها، طبعاً مقتضی سبکی متفاوت برای بحث و بررسی می‌باشد.

تفاوت دیگری که موجب جدایی این دو علم می‌شود، سبک نسخه برداری در عهد جدید و عهد قدیم می‌باشد. نسخه برداری در عهد قدیم، تابع قوانین دشوار و دقیق تری بوده و حال آن‌که چنین قوانینی، در عهد جدید به چشم نمی‌خورد. با توجه به ۳ دلیل مذکور بر تفاوت نسخه‌های خطی عهد قدیم و عهد جدید، مقتضی است تا میان این دو علم تفکیک صورت بگیرد.

1. Porter, 2007, p. 352.  
2. Bowman, n.d.

جالب است که نسخه برداری عهد جدید، کیفیت نسخه برداری عهد قدیم را نداشته و از این رو خطاهای زیادی در نسخه‌های عهد جدید راه یافته است. باید دانست که نسخه برداران، در قرون دوم و سوم، افرادی متخصص در زمینه نسخه برداری نبوده‌اند، بلکه عمدتاً نسخه نویسان، افرادی یاسواد بوده‌اند که بدون مهارت‌های نسخه نویسی، و صرفاً به قصد کمک کردن به نسخه برداری کتاب مقدس، به این کار مشغول می‌شدند. اما از قرن چهارم، همه چیز تغییر می‌کند، یکی از مهم‌ترین تغییرات این است که از این زمان، نسخه برداری در کلیساها به یک مهارت مبدل می‌گردد، ولی با این وجود هنوز برخی از نسخه‌ها، از برخی دیگر دقیق‌تر نسخه برداری شده‌اند.<sup>۱</sup>

بنابر آن‌چه گذشت، از دو جهت زمینه نقد متنی برای عهد جدید، بیشتر است:

#### ➤ نسخه‌های بیشتری از عهد جدید در دست داریم

به عنوان مثال اگر از یک عبارت، تنها دو نسخه متفاوت در دست داشته باشیم، هیچگاه نمی‌توانیم در مورد صحت یکی از آنها صحبت کنیم. ولی وجود نسخه‌های متعدد، ما را در تصمیم‌گیری و قضاوت نمودن یاری می‌کند. برای واضح شدن این مطلب، فرض کنید که تنها دو نسخه از آیه اول سفر پیدایش در دست داشته باشیم. در این صورت، اختلاف نسخه‌ها احتمالاً به شکل زیر خواهد بود:

نسخه شماره ۱: در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید.

نسخه شماره ۲: در ابتدا، خدا زمین و آسمانها را آفرید.

هر کدام از این دو قرائت، شاید صحیح باشند. اما وقتی تعداد نسخه‌ها بیشتر می‌شود، تشخیص نسخه صحیح بسیار آسان خواهد شد. مثلاً اگر ۵ قرائت مختلف از یک متن داشته باشیم، احتمال دستیابی به نسخه اصلی بالا می‌رود:

نسخه ۱: در ابتدا، خدا فلک و زمین را آفرید.

نسخه ۲: در ابتدا، خدا زمین و آسمانها را آفرید.

نسخه ۳: ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید.

نسخه ۴: در ابتدا، عیسی آسمانها و زمین را آفرید.

با حذف موارد اختلافی میان این قرائت‌ها، می‌توان به عبارت اصلی، دست یافت: در ابتدا، خدا آسمانها و زمین را آفرید.

#### ➤ وجود فطاهای بیشتر در نسخه‌های عهد جدید

1. Ehrman, 2005, pp.71-72.

نسخه برداران عهد قدیم، از قوانین سخت و دقیق تری در نسخه برداری استفاده کرده‌اند ولی نسخه برداری در عهد جدید، از چنین قوانینی پیروی نکرده است. از این رو، امروزه شاهدیم که نسخه برداران عهد جدید در مقایسه با نسخه برداران عهد قدیم، خطاهای بیشتری در نسخه برداری مرتکب شده‌اند. با توجه به دلائل مذکور، بحث در نقد متنی عهد جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است لذا در این نوشتار، بحث را محدود به نقد متنی عهد جدید خواهیم کرد و سعی می‌کنیم تا حد امکان، زوایای، این بحث را که مغفول مانده شفاف کنیم.

### موضوع علم نقد متنی

همان‌طور که در تعریف نقد متنی گذشت، موضوع این علم منحصر در کتاب مقدس نمی‌باشد، بلکه هر کتابی که نسخه‌ اصلی آن در دست نباشد، می‌تواند در این علم مورد بررسی قرار گیرد. آثار ویلیام شکسپیر<sup>۱</sup> بعد از کتاب مقدس، از مهم‌ترین آثار می‌باشند که در این علم مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### سبک کار نقد متنی

برای تشخیص قرائت صحیح از میان نسخه‌ها، عموم محققان از سبک «گلچینی»<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند. محققان در این سبک، قرائت‌های مختلف را با شواهد خارجی (شواهدی در خصوص نوع نسخه‌های حمایت‌کننده از یک قرائت) و شواهد داخلی (شواهدی درباره احتمالات مختلف پیرامون حقیقی یا الحاقی بودن آیات) مورد بررسی قرار می‌دهند.<sup>۳</sup>

که برخی محققان بر قرائن خارجی تأکید بیشتری داشته‌اند و معتقدند قرائت‌هایی که «اکثریت» را تشکیل می‌دهند، عمدتاً قرائت صحیح شمرده می‌شوند. اما این نظریه مورد خدشه واقع شده است. برای فهم این مسئله، به این مثال توجه کنید: فرض کنید که در قرن دوم میلادی، دو نفر تصمیم می‌گیرند تا از انجیل متی، نسخه‌ای برای منطقه خود تهیه کنند. یکی از این دو نفر نسخه خود را به شکلی صحیح تهیه می‌کند ولی دیگری، در نسخه برداری دچار خطا شده و بدین‌گونه، خطایی وارد انجیل متی می‌شود. حال فرض کنید که یک قرن بعد، مسیحیان دوباره مشغول نسخه برداری از نسخه‌های قدیمی خود شوند و اتفاقاً به نسخه‌ای که به

1. William Shakespeare.  
2. Eclecticism.  
3. Ehrman, 2006, p.4.

اشتباه نسخه برداری شده، مراجعه کنند و نسخه صحیح را رها کنند. در این صورت، تعداد نسخه‌هایی که حاوی متن اشتباه هستند، بیشتر از نسخه‌هایی خواهد بود که متن صحیح را در بر دارند؛ لذا از این جهت، نمی‌توان کثرت نسخه‌ها را، دلیلی برای وثوق بیشتر آنان دانست.

شاهد بر این مطلب- که کثرت نسخه‌ها نمی‌تواند دلیلی بر صحت آنان دانست- نسخه‌های بیزانسی است. امروزه محققان به این نتیجه رسیده‌اند که گرچه نوع متن بیزانسی نسبت به نسخه‌های دیگر، بیشترند، اما این نسخه‌ها از کیفیت مطلوبی برخوردار نمی‌باشند.<sup>۱</sup>

از طرفی دیگر، برخی محققان بر قرائن داخلی تأکید بیشتری داشته و معتقدند از آن جا که نسخه برداران، همیشه در امر نسخه برداری مرتکب اشتباهاتی می‌شده‌اند، نباید یک نسخه را بطور مطلق قبول نمود.<sup>۲</sup>

در نهایت که اکثر محققان امروزی، برای تشخیص قرائت صحیح از یک متن، تمام شواهدی که در مورد آن آیات وجود دارد را مورد بررسی قرار می‌دهند.

### شواهد خارجی

شواهدی که در مورد آن‌ها سخن خواهیم گفت، مهم‌ترین شواهد در ترجیح میان روایات مختلف شمرده می‌شوند.

#### ۱- کثرت شواهد تأیید کننده

برخی محققان معتقدند: قرائتی که در شواهد کثرت بیشتری داشته باشد، به احتمال زیاد قرائت صحیح می‌باشد. گرچه این نظریه طرفداران زیادی دارد، اما بسیاری از محققان نیز، به مخالفت با این نظریه پرداخته‌اند؛<sup>۳</sup> یک مثال شاید بتواند علت مخالفت این گروه از محققان را روشن کند: فرض کنید که دو نسخه از قرن دوم میلادی در دست داریم، یکی از این نسخه‌ها تنها ۳ مرتبه مورد استنساخ قرار گیرد و دیگری، ۳۰۰ مرتبه. آیا این مسئله موجب می‌شود که نسخه دوم را، نسخه‌ی اصح بدانیم؟ طبعاً خیر! اینطور نیست.

#### ۲- زمان شواهد تأیید کننده

قرینه‌ای که دارای اهمیت بیشتری از «کثرت شواهد» باشد، «زمان شواهد» تأیید کننده می‌باشد. به طور کلی، نسخه‌های قدیمی‌تر نسخه‌هایی صحیح بوده‌اند. زیرا هنوز تغییری توسط نسخه برداران در آن‌ها ایجاد نشده و این

1. Ehrman, 2005, p. 124.

2. Ehrman, 2005, p. 124.

3. Ehrman, 2005, p. 124.



نسخه‌ها، همچنان دست نخورده و بکر باقی مانده باشند؛<sup>۱</sup> البته باید دانست که «زمان شواهد» نیز، نمی‌تواند معیاری مناسب به حساب آید، زیرا ممکن است مثلاً نسخه‌ای از قرن هفتم میلادی، از نسخه‌ای مربوط به قرن دوم میلادی استنساخ شده باشد و از طرفی دیگر، امکان دارد نسخه‌ی قرن ششم، از نسخه‌ای مربوط به قرن ۴ میلادی استنساخ شده باشد. پس قدیمی‌بودن یک نسخه، لزوماً به معنای موثق بودن آن نیست.

### ۳- پراکندگی جغرافیایی شواهد تایید کننده

قرائت‌هایی که در مناطق جغرافیایی متعددی یافت شوند، از ارزش و اعتبار بیشتری نسبت به قرائت‌های محلی برخوردارند.<sup>۲</sup>

### ۴- کیفیت شواهد تایید کننده

برخی نسخه‌های خطی کتاب مقدس از وثوق و اعتبار بیشتری برخوردار هستند و طبعاً آن‌چه در آن نسخه‌ها وجود داشته باشد، از اعتبار بیشتری برخوردار خواهد بود، دقیقاً همانند چیزی که در دادگاه‌های امروزی مشاهده می‌کنیم: برتری شهادت برخی شاهدان بر شهادت شاهدان دیگر.<sup>۳</sup>

### ۵- کیفیت گروه شواهد تایید کننده

از قرن ۱۷ میلادی، محققان دریافتند که برخی نسخه‌ها شباهت و نزدیکی خاصی به هم دارند. به این معنی که برخی نسخه‌ها، در عبارات طولانی، عبارت بندی‌های مشابهی دارند. از این رو، محققان نسخه‌های مختلف را در ۳ گروه دسته بندی کرده‌اند:<sup>۴</sup>

الف- متن الکساندریانی:<sup>۵</sup> این دسته از متون، حاوی بهترین و قدیمی‌ترین نسخه‌ها می‌باشد مانند کدکس واتیکانوس؛<sup>۶</sup> این نوع متن، به احتمال زیاد مربوط به محققان اسکندریه در مصر بوده است.

ب- متن غربی:<sup>۷</sup> نسخه‌های مربوط به این نوع متن، عموماً نسخه‌هایی قدیمی و البته نسخه‌هایی غیر قابل اعتماد به شمار می‌آیند، از جمله این که نوع متن،

1. Green, 2010, p.133.  
2. Freedman, Myers, 2000, p.1294.  
3. Green, 2010, p.134.  
4. Ehrman, 2006, pp. 5-6.  
5. Alexandrian Text-Type.  
6. Codex Vaticanus.  
7. Western Text-Type.

پاپيروس هايي از «كدكس بزا»<sup>۱</sup> را مي توان نام برد. لازم به ذكر است برخي نسخه هاي موجود در اين دسته، در مسيحيت شرقي بوجود آمده اند.

ج- متن بيزانسي،<sup>۲</sup> اين نوع متن كه اكثر نسخه هاي متاخر به آن باز مي گردند، عموماً به عنوان نسخه هايي غير قابل اعتماد شناخته مي شوند.

به اعتقاد محققان، متوني كه تنها در شواهد بيزانسي و يا غربی يافت شوند، متوني مشكوك و نيازمند به بررسي مي باشند.

### شواهد داخلي

اين گونه از شواهد به بررسي مزيت هاي قرائات مختلف مي پردازد. در بحث از شواهد داخلي، با دو دسته از احتمالات مواجه هستيم:

#### اهتمالات موهوب در نسخه برداري

اين دسته از احتمالات، در خصوص انگيزه ها و علايق نسخه برداران بحث مي كند. وقتي عبارتي را موافق با انگيزه هاي نسخه برداران مي يابيم، اين احتمال به وجود مي آيد كه شايد اين متن، توسط نسخه برداران بوجود آمده باشد. براي مثال، نسخه برداران سعي در يكسان سازي عبارات مشابه و اصلاح ادبي و اعتقادي متون داشته اند. از اين جهت، اگر يك قرائت هم جهت با چنين اهدافي باشد، اين احتمال بوجود مي آيد كه شايد قرائت مذكور، قرائتي ساخته و پرداخته نسخه برداران باشد.<sup>۳</sup>

#### اهتمالات موهوب در فود متن

در اين بخش، محققين قرائتي را انتخاب مي كنند كه تطابق بيشتري با زبان، سبك و الاهيات نويسنده آن متن داشته باشد.<sup>۴</sup>

علي رغم اينكه در بحث پيرامون «احتمالات نسخه برداري»، محققان در خصوص عباراتي كه توسط نسخه برداران به وجود آمده بحث مي كنند، در اين جا بحث در مورد عباراتي است كه توسط نويسنده حقيقي اين كتابها نوشته شده است. لذا در اين جا، محققان تلاش مي كنند تا الاهيات و سبك بياني نوشته هاي نويسنده حقيقي را مشخص نمايند. سپس هر قرائتي كه شباهت بيشتري به نوشته هاي نويسنده حقيقي داشته باشد، به عنوان قرائت صحيح انتخاب خواهد شد.

1. Codex Bezae.  
2. Byzantine Text-Type.  
3. Ehrman, 2006, p. 6.  
4. Ehrman, 2006, p. 7.

## هدف نقد متنی

محققان در نقد متنی، سعی در تشخیص اشتباهاتی دارند که در طی مراحل نسخه برداری، به کتاب مقدس وارد شده است. سپس با اصلاح این اشتباهات، به قرائتی دست می‌یابند که بیشترین شباهت را به نسخه اصلی کتاب مقدس داشته باشد. نتیجه کار آنان تهیه نسخه‌ای انتقادی از متن مورد نظر می‌باشد؛<sup>۱</sup> به این معنا که نویسنده این نسخه، باید دلایل خود را برای انتخاب و رد قرائت‌های دیگر متن بیان کند. در این متن انتقادی، می‌بایست تعداد نسخه‌هایی که رد شده‌اند، بیان شود و البته بهتر است که این توضیحات با توجه به اولویت آن‌ها باشد.

"کیت اسمال" در پایان نامه دکتری خویش، به موضوع نقد متنی کتاب مقدس و نسخه‌های خطی آن می‌پردازد. او دو مسئله را به عنوان هدف از اجرای نقد متنی بر عهد جدید بیان می‌کند:

(۱) بازگرداندن متن کنونی عهد جدید، به شکل اولیه خود؛

(۲) دست یافتن به سیر تطوری متن عهد جدید، از طریق بررسی نسخه‌های خطی؛<sup>۲</sup>

"اسمال" در ادامه می‌گوید که برخی محققان مانند "بارت ارمن"<sup>۳</sup> معتقدند متن اصلی عهد جدید، بخاطر تغییراتی که سالیان پیش - به دلایل اعتقادی - اتفاق افتاده است، قابل بازیابی نمی‌باشد.<sup>۴</sup>

### پیشگامان عرصه نقد متنی

از اولین مطالعات انتقادی جدی بر متن کتاب مقدس، می‌توان به نسخه تهیه شده توسط "استیفانوس"<sup>۵</sup> در سال ۱۵۵۰ میلادی اشاره کرد. وی در این نسخه، حاشیه‌هایی تهیه می‌کند که بیانگر اختلاف میان نسخه‌هایی است که در آن زمان، در دست داشته و آن را بررسی کرده است.<sup>۶</sup> جالب این جاست بدانیم که استیفانوس در آن زمان، تنها به ۱۴ نسخه دسترسی داشته و دیگر نسخه‌هایی که ما امروزه در دست داریم، تا آن زمان کشف نشده بودند.<sup>۷</sup>

1. Comfort, 2005, p. 290.

2. Small, 2012, p. 32.

3. Bart D.Ehrman.

۴. برای مطالعه بیشتر در مورد این نظریات، می‌توانید کتاب‌های The Orthodox corruption of scripture و Misquoting Jesus را مطالعه کنید.

5. Stephanus.

6. Metzger, Ehrman, 2005, p. 153.

7. Metzger, Ehrman, 2005, p. 153.

کمی بعد، در قرن هفدهم میلادی، با تلاش "برین والتون"<sup>۱</sup> و "جان فل"<sup>۲</sup>، نسخه‌ای از کتاب مقدس به زبان انگلیسی منتشر شد که به شکلی جدی‌تر، به بیان اختلافات موجود میان نسخه‌های خطی می پرداخت.<sup>۳</sup>

بعد از این اثر، می‌توان از نوشته "ریچارد سایمون"<sup>۴</sup> نام برد. سایمون در واقع محققى عبرانی بوده است اما وی هم در خصوص نقد متنی عهد قدیم، و هم نقد متنی عهد جدید، دست به قلم برده است. اثر او به نام «تاریخ نقادانه عهد جدید» در سال ۱۶۸۹، منتشر گردید. "سایمون" در پی اثبات این بود که متن کتاب مقدس، در برخی بخش‌ها، قابل اعتماد نیست. علاوه بر این، سایمون سعی داشت تا برتری نسخه‌های لاتین کتاب مقس را بر نسخه‌های یونانی اثبات کند.

از جمله بخش‌هایی که سایمون مورد بررسی قرار داده، می‌توان به روایات مربوط به زن زناکار، دوازده آیه آخر مرقس و شهادت آسمانی که در اثبات تثلیث سخن می‌گوید- اشاره کرد.<sup>۵</sup>

همزمان با انتشار اثر سایمون، محقق دیگری به نام "جان میل"<sup>۶</sup> بررسی نسخه‌های کتاب مقدس مشغول بود، او به طور ویژه بر روی نسخه‌های یونانی تحقیق می‌نمود و در سال ۱۷۰۷م کتابی منتشر کرد که اثر عمیقی بر مطالعات نقد متنی عهد جدید گذاشت و دانشمندان را وادار کرد تا به صورتی جدی، بر روی این موضوع سرمایه‌گذاری کنند. کتاب او به بیان اختلافات موجود میان نسخه‌های یونانی کتاب مقدس پرداخته که نتیجه ۳۰ سال مطالعه او بر روی نسخه‌ها می‌باشد. او از نتیجه تحقیقات "استیفانوس" نیز استفاده نموده و با در دست داشتن حدود ۱۰۰ نسخه یونانی عهد جدید و نگاشته‌های آباء کلیسا، بررسی دقیقی برای کشف اختلافات موجود میان آن‌ها صورت داده و نهایتاً، نسخه انتقادی خود را منتشر کرده است.<sup>۷</sup>

در نگارش این کتاب، "جان میل" ابتدا چند سطر از کتاب مقدس را می‌نوشته و سپس، در ذیل آن به بیان اختلاف نسخه‌های موجود در خصوص آن آیات می پرداخته است. این اثر، حاوی ۳۰ هزار اختلاف میان نسخه‌های کتاب مقدس بوده

1. Brian Walton.
2. John Fell.
3. Riches, 2013, vol. 4, p. 14.
4. Richard Simon.
5. Ehrman, 2005, p. 102.
6. John Mill.
7. Ehrman, 2005, p. 102.

است. البته از بیان اختلافات جزئی در میان نسخه‌ها، خودداری نموده، لذا این ۳۰ هزار اختلاف، عمدتاً اختلافاتی جدی و قابل تأمل بوده‌اند.<sup>۱</sup>

"جووان ویت استین"<sup>۲</sup> یکی از جنجال برانگیزاننده ترین شخصیت‌های قرن هجدهم می‌باشد. او در جوانی خود شیفته بحث در مورد اختلافات نسخه‌های کتاب مقدس می‌شود و در ۱۷ مارس ۱۷۱۳م، بعد از تولد بیست سالگی خود، پایانامه خود را با عنوان «تفاوت‌های قرائات در متن عهد جدید»<sup>۳</sup> به دانشگاه "باسل"، ارائه می‌دهد. وی در این اثر ادعا می‌کند که اختلاف نسخه‌ها در کتاب مقدس، نقطه ضعفی برای آن به حساب نمی‌آید؛ زیرا خداوند کتابی را یک بار و برای همیشه به بشر داده تا مردم بتوانند با آن تعالی یابند و اخلاق و عقایدشان را سامان دهند. از این جهت، این کتاب هر آن چه برای سعادت انسان مورد نیاز است را در بر دارد.<sup>۴</sup>

دو سال بعد یعنی سال ۱۷۱۵م به انگلیس سفر می‌کند و در آنجا، به مطالعه نسخه الکساندریانوس می‌پردازد. عبارتی در این نسخه، او را شگفت زده می‌کند. اول تیموتائوس ۳:۱۶، آیه‌ای که عموماً توسط مسیحیان، به عنوان دلیلی برای خدا بودن عیسی علیه السلام استفاده می‌شود:

«و بالا جماع سر دینداری عظیم است، که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، تصدیق کرده شد و به فرشتگان مشهود گردید و به امت‌ها موعظه کرده و در دنیا ایمان آورده و به جلال بالا برده شد.»

در آیه مورد بحث، لفظ یونانی خدا (θεός)، با دو حرف اختصار نویسی شده است: «ΘΣ»، «تتا» و «سیگما». البته بر روی این دو حرف، خطی کشیده می‌شده تا بفهماند این حروف، حروفی اختصاری هستند، نه یک کلمه.

"ویت استین" در مشاهدات خود متوجه می‌شود که رنگ خط بالای این حروف، متفاوت از رنگ دیگر بخش‌های متن می‌باشد و این بدان معناست که این خط را، نسخه بردار اصلی روی کلمه نکشیده، بلکه این خط، سال‌ها بعد توسط شخصی دیگر بر روی این دو حرف کشیده شده است. علاوه بر این، او متوجه می‌شود که خط موجود در وسط اولین حرف، مربوط به خود حرف نبوده بلکه از طرف دیگر کاغذ روی آن حرف حک شده و در حقیقت این لغت "اومکرون" و "سیگما" بوده است (OΣ) که لغتی متفاوت به معنی: "کسی که" می‌باشد. حال باید این آیه را با توجه به این اکتشاف معنا کنیم:

1. Ehrman, 2005, p. 102.
2. Johann J. Wettstein.
3. The Variety of Readings in the Text of the New Testament.
4. Ehrman, 2006, p. 112.

و بالاجماع سر دینداری عظیم است، که او در جسم ظاهر شد و...<sup>۱</sup>.  
 "ویت استین" که از این اکتشاف شگفت زده شده بود، تحقیقات خود را در مورد آیاتی که به الوهیت عیسی دلالت دارند، ادامه می‌دهد. او عباراتی دیگری را نیز می‌یابد که مانند آیه مذکور، در ظاهر پیرامون الوهیت عیسی سخن می‌گویند ولی وقتی به بررسی این آیات می‌پردازیم، می‌بینیم که این آیات نیز دچار مشکل متنی بوده‌اند و پس از حل این مشکل، آیات مذکور دیگر در خصوص الوهیت عیسی سخن نمی‌گویند؛<sup>۲</sup> از جمله این آیات، می‌توان به اول یوحنا ۵: ۷-۸ اشاره کرد، آیاتی که با نام «شهادت آسمانی»<sup>۳</sup> شناخته می‌شوند.

از آن زمان، محققان زیادی برای بیان چگونگی استفاده از اصول نقد متنی، نسخه‌هایی منتشر نموده‌اند و برخی از آنان، قاعده‌هایی جدید را به این علم اضافه نموده‌اند. به عنوان مثال "جان آلبرت بنگل"<sup>۴</sup> نسخه‌ای از عهد جدید به یونانی منتشر نمود و در آن از قاعده «متن سخت تر، متنی بهتر» استفاده نمود.<sup>۵</sup> این قاعده این است که با پیشرفت نسخه برداری، نسخه برداران سعی در آسان نمودن متن کتاب مقدس داشته‌اند و از این جهت، اگر قرائتی از یک متن، آسان تر از قرائت همان متن در نسخه‌ای دیگر باشد، این طور پنداشته می‌شود که متن آسان تر، حتما دستخوش اصلاحات نسخه برداران شده است. زیرا به هیچ وجه نمی‌توان تصور کرد که یک نسخه بردار، سعی در دشوار نمودن یک متن داشته باشد.

"جان جیکاب گریسیچ"<sup>۶</sup> بعد از "بنگل"، نسخه‌های متعددی از عهد جدید منتشر نمود و ۱۵ قانون و قاعده جدید برای انتخاب قرائت صحیح در میان اختلاف قرائات ارائه داد. در میان این قواعد، علاوه بر قاعده ای که "بنگل" بیان کرده بود، قاعده «متن کوتاه تر، متنی بهتر» نیز به چشم می‌خورد.<sup>۷</sup>

البته باید به این نکته اشاره کرد که این قاعده همیشگی نیست، زیرا در بسیاری از موارد، نسخه برداران، عباراتی را جا می‌انداخته‌اند و به اصطلاح دچار "پرش چشم" می‌شده‌اند. از این جهت، نمی‌توان گفت که در همه جا، قرائت کوتاه تر از یک متن، قرائت صحیح می‌باشد.

۱. در ترجمه [standard version American] ASV هم این عبارت به همین شکل ترجمه شده است.

۲. Ehrman, 2005, pp. 113-114.

۳. Johannine Comma.

۴. Johann Albrecht Bengel [1687-1752].

۵. Ehrman, 2005, pp. 111.

۶. Johann Jakob Griesbach [1745-1812].

۷. Hull, 2010, p. 73.

## نقد متنی و عهد جدید

چنان که گذشت، نقد متنی به بررسی اختلاف قرائت‌های موجود میان نسخه‌ها می‌پردازد و هدف این علم، دستیابی به نسخه‌ای از کتاب مقدس می‌باشد که بیشترین شباهت را به نسخه‌های اصلی آن داشته باشد. محققان با بررسی عهد جدید و مطالعه اختلاف نسخه‌های آن، تغییرات ایجاد شده بر روی متن عهد جدید را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کنند:

### الف: تغییرات غیر عمدی

همان‌طور که در تصویر رو به رو می‌بینید، در نوشته‌های یونانی عهد جدید، به ندرت نکات نگارشی مانند: نقطه گذاری، فاصله گذاری، پاراگراف بندی و... رعایت شده است. این سبک نگارش، کار نسخه برداران را دشوار تر می‌گردانیده است. ولی بنابر ادعای مسیحیان، خطاهای غیر عمدی که توسط نسخه برداران بر متون اعمال شده، در معانی اصلی تغییری ایجاد نمی‌کند و به اصول اعتقادات مسیحیت آسیبی وارد نمی‌کند، البته در بسیاری از موارد این خطاها به آسانی قابل تشخیص می‌باشند. برای مثال به برخی خطاها که در اثر رعایت نشدن قواعد نگارشی در متن، پدید آمده‌اند، اشاره می‌کنیم:

- از قلم افتادن برخی حروف<sup>۱</sup>
- تکرار<sup>۲</sup>
- قلب حروف<sup>۳</sup>
- پرش چشم<sup>۴</sup>
- شباهت آوایی کلمات
- اختصارنویسی<sup>۵</sup>
- از عوامل مذکور، سه عنوان را مورد بررسی قرار خواهیم داد؛

### پرش چشم

شاید بکار بردن یک مثال برای فهم چگونگی وقوع این اشتباه بهتر باشد؛ مثلاً وقتی که دو سطر به یک حرف یا کلمه ختم می‌شوند،<sup>۶</sup> نویسنده ممکن است بعد از نوشتن

1. Haplography.  
2) dittography  
3. Metathesis.  
4. Periblepsis.  
5. Abbreviation.  
6. Homoeoteleuton.

سطر اول، هنگامی که می‌خواهد شروع به نوشتن سطر دوم کند، اشتباهاً کلمه مشابه کلمه موجود در سطر اول را در سطر دوم ببیند و از آنجا نوشتن را ادامه دهد و به این صورت -سطر دوم و- آن‌چه بین این دو کلمه مشابه بوده است را جا بیندازد که در اصطلاح، به این نوع خطا «از قلم افتادگی یا پرش چشم» گفته می‌شود.<sup>۱</sup> برای مثال یک نمونه از خطاهای پرش چشم را می‌توان در انجیل یوحنا ۱۷:۱۵ مشاهده کرد. در این آیات، عیسی در دعا برای پیروانش می‌گوید:

«خواهش نمی‌کنم که ایشان را بازداری از جهان، بلکه بازداری از شریر.»

در "کدکس واتیکانوس"<sup>۲</sup> که از بهترین نسخه‌ها می‌باشد، چشم نسخه بردار از عبارت "بازداری از" قسمت اول به "بازداری از" قسمت دوم پریده است و در نتیجه، عبارت میانی حذف شده و عبارتی که باقی مانده، اینگونه است: خواهش نمی‌کنم که ایشان را بازداری از شریر!<sup>۳</sup>

### شباهت‌های آوایی کلمات

همیشه فقدان علائم نگارشی و شباهت‌های ظاهری کلمات، عامل خطا در نسخه نویسی نبوده است، بلکه گاهی برخی لغات از این جهت که تلفظ مشابهی دارند، با هم اشتباه می‌شدند. این مسئله زمانی رخ می‌دهد که یک نفر، برای نسخه بردار یا نسخه برداران متنی را قرائت می‌کند و آن‌ها می‌نویسند.

برای نمونه به مکاشفه ۵:۱ اشاره می‌کنیم. این آیه طبق ترجمه قدیم به این گونه است: «... ما را محبت می‌نماید و ما را از گناهان ما به خون خود شست.» اما ترجمه هزاره نو، این آیه را به شکلی دیگر رولیت نموده است: «... ما را محبت می‌کند و با خون خود ما را از گناهانمان رهانیده است.»

"تفسیر الیکات"<sup>۴</sup> در خصوص این آیه می‌گوید که در برخی نسخه‌ها، عبارت «رهانیده است» بجای «شست» دیده می‌شود<sup>۵</sup> علت اشتباه شدن این دو کلمه، شباهت زیاد آنها می‌باشد. زیرا این دو کلمه در زبان عبری، تنها در یک حرف با هم تفاوت دارند؛ لذا از این جهت، در قرائت بسیار شبیه یکدیگرند و احتمالاً برخی نسخه بردارانی که این عبارت برای آن‌ها قرائت می‌شده، به اشتباه، کلمه مشابه را نوشته‌اند.

1. Golomb, 1988, p. 255.

2. Codex vaticanus. (قرن چهارم)

3. Ehrman, 2005, p. 92.

4. Ellicott.

5. Ellicott, n.d.



## اختصار نویسی

علاوه بر فقدان علائم نگارشی در نسخه‌های یونانی و شبیه بودن برخی کلمات به یکدیگر که موجب به وجود آمدن خطاهایی در نسخه برداری می‌گردیده، می‌توان به عامل دیگری مثل «اختصار نویسی حروف» برای بروز خطا در متن مقدس اشاره کرد.

باید دانست که نسخه برداران برای صرفه جویی در وقت، جوهر و پاپیروس، برخی کلمات را با علائم اختصاری می‌نوشته‌اند. از جمله کلماتی که عموماً بسیار تکرار می‌شود، حرف عطف «و» می‌باشد. این حرف، در یونانی به صورت «KAI» نوشته می‌شود و نسخه نویسان برای اختصار، تنها حرف ابتدایی آن، یعنی حرف «K» را، با اندکی ضربه در جهت پایین می‌نوشته‌اند تا نشان دهد که این حرف، حرفی اختصاری است.

علاوه بر این، در برخی موارد، نسخه برداران به جهت احترام به کلمات مقدس، آن‌ها را با حروف اختصاری می‌نوشته‌اند و از نوشتن خود کلمه دوری می‌کردند. از این جمله، می‌توان به کلماتی مانند «خدا»، «عیسی»، «مسیح» و... اشاره نمود.<sup>۱</sup>

کثرت حروف اختصاری در نسخه‌های قدیمی، موجب خطا در نسخه برداری می‌گردید. به این صورت که نسخه بردار بعدی، در مواجهه با این حروف اختصاری، یا آن‌ها را مربوط به کلمه‌ای دیگر تلقی می‌نموده و یا اینکه این حروف را، کلمه‌ای کامل به حساب می‌آورده است که در هر دو صورت، معنی مورد نظر، تغییر پیدا می‌کند.

رومیان ۱۱:۱۲ می‌توان اشاره کرد. در این آیه، پولس خوانندگان کتاب مقدس را به خدمت به «خدا» فرا می‌خواند و می‌گوید: «در اجتهاد کاهلی نوزید و در روح سرگرم شده، خداوند را خدمت نمایند». کلمه «خدا» در یونانی به صورت "KUPIW" نوشته می‌شود اما نسخه نویسان بجای نوشتن این کلمه، از دو حرف اختصاری "KW" استفاده می‌نموده‌اند و روی این دو حرف، خطی می‌کشیده‌اند تا اختصاری بودن آن را نشان دهند، اما جالب اینجاست که برخی نسخه نویسان این حروف اختصاری را به اشتباه حرف اختصاری برای کلمه "KAIRW" به حساب آورده‌اند که به معنای «زمان» می‌باشد و به این سبب، عبارت پولس را به گونه‌ای اشتباه نسخه برداری کرده‌اند. عبارتی که از پس این خطا به وجود می‌آید عبارتی است که در آن، پولس مردم را به خدمت به زمان فرا می‌خواند، نه خدا.<sup>۲</sup>

1. Ehrman, 2005, p. 91.  
2. Ehrman, 2005, p. 91.

### ب: تغییرات عمدی

در خصوص تغییرات غیر عمدی نسخه برداران در متن مقدس بصورت اختصار بحث کردیم، اما باید دانست تغییراتی که در کتاب مقدس رخ داده را نمی‌توان صرفاً با عنوان تغییرات غیر عمدی مطرح نمود. برای مثال، نمی‌توان گفت که ۱۱ آیه آخر انجیل مرقس، به سبب سهو و اشتباه نسخه نویس، به متن اضافه شده است.

بلکه تشخیص دادن بخش‌هایی از کتاب مقدس که به عمد تغییر یافته‌اند، بسیار دشوار تر از تشخیص تغییرات خطایی می‌باشد. علت این است که وقتی یک نسخه بردار در نسخه نویسی دچار خطا می‌شود، عموماً اشتباه او باعث مشوش شدن متن می‌گردد و از این جهت، به راحتی می‌توان این اشتباهات را شناسایی کرد. اما زمانی که نسخه برداران عمداً متنی را تغییر می‌دهند، متن را به گونه‌ای می‌نویسند تا کسی متوجه تغییر یافتن آن نشود و به اصطلاح، متن تغییر کرده، با متن اصلی "موزند" و تفاوتی نداشته باشد. از این رو برای کشف تغییرات عمدی، باید دقت نظر و توجه بیشتری به متن و قرائن داخلی و خارجی آن کرده تا بتوانیم به تفاوت دو متن پی ببریم.

تغییرات عمدی که توسط نسخه برداران بر متن اعمال شده را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تغییر متن بدون اهداف الیهیاتی، تغییر متن با اهداف الیهیاتی.

#### تغییر متن بدون اهداف الیهیاتی

تغییراتی که در این جا مورد بررسی قرار خواهیم داد، تغییراتی هستند که نسخه برداران، گرچه از عمد، اما بدون اهداف الیهیاتی بر متن اعمال کرده‌اند. برای مثال، گاهی اوقات نسخه بردار با متنی مواجه می‌گردد که آن را صد در صد اشتباه می‌دانسته، از این جهت، آن را اصلاح می‌نموده است. برای مثال در این خصوص می‌توان به متی ۱۲:۱۷-۱۳ اشاره کرد:

«لیکن به شما می‌گویم که الحال ایاس آمده است و او را نشناختند، بلکه آن چه خواستند با وی کردند؛ به همانطور پسر انسان نیز از ایشان زحمت خواهد دید. ۱۳ آنگاه شاگردان دریافتند که درباره یحیی تعمید دهنده بدیشان سخن می‌گفت.»

چنان که در برخی نسخه‌ها مشاهده می‌شود، برخی نسخه نویسان، برای اینکه کسی به اشتباه یحیی تعمید دهنده را، «پسر انسان» معرفی نکند، آیه سیزدهم را قبل از عبارتی می‌آورند که در مورد «پسر انسان» سخن می‌گوید. نسخه برداران با انجام این کار، احتمال اینکه این آیه به شکلی نادرست مورد تفسیر قرار گیرد را، از

بین برده‌اند. این خود نوعی تغییر عمدی به حساب می‌آید که البته هدف الاهیاتی خاصی در ورای آن نبوده است.<sup>۱</sup>

### تغییرات عمدی با اهداف الاهیاتی

امروزه ما اطلاعات خوبی نسبت به دوره ابتدایی مسیحیت در دست است. در این دوران، علاوه بر فرقه‌های مختلف مسیحی، کافران و یهودیانی به چشم می‌خورند که هر کدام، یک تهدید برای اعتقاد مسیحی به شمار می‌آمدند و طبعاً فعالیت‌هایی بر ضد مسیحیت داشته‌اند. از جمله معترضانی که مسیحیان را به چالش می‌کشیده، می‌توان از «سیلسیوس»<sup>۲</sup> نام برد. وی خطاب به مسیحیان می‌گوید:

"اشکالات ما از منابع و نوشته‌های خودتان است و ما نیاز به شاهد دیگری نداریم، زیرا خود شما عامل رد عقاید خودتان را فراهم کرده‌اید."<sup>۳</sup>

مسیحیان که می‌دیدند دشمنانشان از کتاب مقدس بر ضد آنان استفاده می‌کنند، بخش‌هایی از کتاب مقدس که می‌توانست به نفع کافران مورد استفاده قرار گیرد را، تغییر دادند.

علاوه بر نزاع‌های خارجی با کافران، مسیحیت دچار تشنگی و تفرقه درونی بود. فرقه‌های مختلف مسیحیت با عقاید متفاوتی که داشتند، بر ضد یک دیگر فعالیت می‌کرده و سعی در اثبات اعتقاد خود داشتند. در این میان، فرقه‌هایی بودند که فقط به خدایی آفریننده ایمان داشتند، نه هیچ خدای دیگری. در حالی که فرقه دیگری که خود را مسیحی می‌نامید، به دو خدا اعتقاد داشتند، خدای عهد قدیم (خدای خشم) و خدای عهد جدید (خدای محبت). فرقه دیگر، "ناستیک‌ها" بودند. فرقه‌ای که اعتقاد به وجود ۱۲ خدا داشتند، برخی دیگر به وجود ۳۰ خدا و البته برخی دیگر هم به وجود ۳۶۵ خدا اعتقاد داشتند! جالب اینجا است که همه این گروه‌ها، خود را «ارتدکس» (ارتدکس در لغت به معنی "راست کیش" است، یعنی کسی که عقیده درستی دارد.) می‌نامیدند و می‌پنداشتند که اعتقاد آنان اعتقاد صحیح بوده و آنان به همان چیزی ایمان دارند که رسولان به آن ایمان داشته‌اند.<sup>۴</sup>

1. Ehrman, 2005, p. 95.  
2. Celsus.  
3. Kannaday, 2004, p. 21.  
4. Ehrman, 2003, p. 2.

سوالی که جواب آن بسیار راه گشا خواهد بود این است که چرا این گروه‌ها برای فهم درست دین خود به کتاب مقدس رجوع نمی کردند؟ آیا تفسیر آنان از کتاب مقدس متفاوت بوده است؟

در جواب این سؤال باید دانست که در آن زمان، کتاب‌های (انجیل‌ها، نامه‌ها، اعمال و مکاشفه‌های) مختلفی وجود داشته است که همه آنها به رسولان نسبت داده می شدند. و هریک از این فرقه‌ها، یکی از این کتاب‌ها را به عنوان کتاب مقدس خود انتخاب نموده و عقاید خود را به آن نسبت می دادند. برای مثال، فرقه «ایبونیته»<sup>۱</sup> تنها به انجیل متی اعتقاد داشته‌اند. البته انجیل متی مورد استفاده آنان، متفاوت از انجیل متی امروزی بوده است. این انجیل، فاقد دو فصل اول انجیل متی امروزی بوده است، دو فصلی که در خصوص ولادت عیسی از باکره سخن می گویند، چیزی که ایبونی ها به آن اعتقادی نداشته‌اند.<sup>۲</sup>

به عبارتی دیگر، هنگامی که میان گروه‌های مسیحی، در خصوص ولادت عیسی از باکره بحثی در می گرفت، دیگر گروه‌های مسیحی نمی توانستند با توجه به کتاب مقدس خود، ایبونی ها را قانع کنند که عیسی از باکره متولد شده است، زیرا آیات مربوط به این عقیده، در کتاب مقدس ایبونی ها وجود نداشته است.

فرقه دیگری بنام «مارسیونیه»<sup>۳</sup> تنها انجیل لوقا و سیزده نامه پولس را به عنوان کتاب مقدس خود پذیرفته بودند. البته انجیل لوقای مورد قبول آنان، غیر از انجیل لوقای کنونی بوده است.

برخی از مسیحیان آن دوره با نام "ادپشنیست"<sup>۴</sup> شناخته می شدند، این گروه بر این اعتقاد بودند که عیسی در ذات خود الوهی نیست، بلکه او کاملاً انسان می باشد اما زمانی که عیسی آمادگی لازم برای حکومت را کسب می کند، خداوند او را به عنوان فرزند خود بر می گزیند.

اکنون که با شرایط حاکم بر قرون ابتدایی مسیحیت آشنا شدیم، نوبت آن رسیده تا ببینیم اختلافات موجود میان مسیحیان و مخالفان آنها، چگونه در متن عهد جدید اثر گذاشته و چه تغییراتی در آن به وجود آورده است؟

1. Ebionite.  
2. Ehrman, 2003, p. 102.  
3. Marcionite.  
4. Adoptionist.

## تغییر متن برای اثبات تثلیث

یکی از تغییراتی که برای اثبات تثلیث در استدلال از کتاب مقدس به نفع خودشان بوجود آمده، تغییری است که در اول تیموتائوس ۳:۱۶ می‌بینیم که البته توضیح کامل آن، در بحث «پیشگامان عرصه نقد متنی»، گذشت.

از دیگر موارد تغییر متن مقدس برای اثبات تثلیث، می‌توان به لوقا ۲:۳۳ اشاره کرد. در این آیه جریانی از کودکی عیسی ﷺ ضبط شده که در آن، یوسف ﷺ و مریم ﷺ، عیسی ﷺ را به معبد می‌برند. آیه مذکور در ترجمه «دری» اینگونه آمده است: "پدر و مادر آن طفل از آن‌چه درباره او گفته شد حیران گشتند". جالب است بدانیم که این آیه در ترجمه قدیم، بجای کلمه «پدر»، از کلمه «یوسف» استفاده می‌کند، معنای متفاوت میان این ترجمه‌ها این است که نسخه‌های مورد استفاده در این ترجمه‌ها، با هم تفاوت داشته‌اند. در نسخه‌ای که در ترجمه قدیم، مورد استفاده قرار گرفته، نسخه نویس، کلمه پدر را حذف کرده و کلمه یوسف را بجای آن گذاشته تا از این پس، "اداپشنیست‌ها" نتوانند از این آیه، بر ضد الوهیت عیسی استفاده کنند.<sup>۱</sup>

رویدادی مشابه آن‌چه بیان شد، در چند آیه جلوتر یعنی آیه ۴۳ نیز، تکرار می‌شود: "وقتی ایام عید به پایان رسید و آنها عازم شهر خود شدند، عیسی نوجوان در اورشلیم ماند ولی والدینش این را نمی‌دانستند." چنان‌که در این عبارت می‌بینیم، یوسف و مریم، به عنوان والدین عیسی شناخته می‌شوند، ولی در برخی از نسخه‌های خطی، نسخه نویسان این عبارت را تغییر داده‌اند و نوشته‌اند: "یوسف و مادر او، این را نمی‌دانستند."<sup>۲</sup>

در آیه ۴۸، یعنی چند آیه جلوتر نیز، هنگامی که مریم و یوسف به اورشلیم باز می‌گردند تا عیسی ﷺ را پیدا کنند، این مسئله تکرار می‌شود، زمانی که مریم، پس از ۳ روز جست و جو عیسی ﷺ را پیدا می‌کند، به او می‌گوید: «پسرم، چرا با ما چنین کردی؟ اینک، پدرت و من، غمناک گشته تو را جست و جو می‌کردیم.» این بار هم می‌توان توقع داشت تا به مانند دفعات قبل، برخی نسخه برداران، این عبارت را تغییر داده باشند.

1. Ehrman, 2005, p.158.  
2. Ehrman, 2005, p.158.

نمونه دیگر در این زمینه را می‌توان در اول یوحنا ۵: ۷-۸ مشاهده نمود. آیه‌ای که پیش از این، با عنوان «شهادت آسمانی» به آن اشاره کردیم: «زیرا سه هستند که شهادت می‌دهند، ۸ یعنی روح و آب و خون؛ و این سه یک هستند.» در اینجا به وضوح می‌بینیم که نسخه برداری لاتینی، وقتی به عبارت «زیرا سه هستند که شهادت می‌دهند» می‌رسد، احساس می‌کند که این موقعیت را نباید از دست داد و میتواند نکته‌ای جهت اثبات تثلیث از آن استفاده کرد از این جهت، در حاشیه متن، عبارتی می‌نویسد و این ۳ شاهد را به «پدر»، «کلمه» و «روح القدس» مرتبط می‌سازد. البته این عبارت در حاشیه باقی نمانده و سال‌ها بعد توسط نسخه بردارانی که می‌خواستند این مطلب از خوانندگان کتاب مقدس مخفی نماند، وارد متن کتاب مقدس می‌شود. ترجمه "کینگ جیمز" که از چنین نسخه‌ای استفاده می‌نموده، آیه مذکور را به این شکل آورده است:<sup>۱</sup>

«زیرا سه هستند که [در آسمان] شهادت می‌دهند، پدر، کلمه، و روح القدس: و این سه، یک هستند. و سه هستند که در زمین شهادت می‌دهند: روح، آب و خون و این سه، یک هستند.»

متأسفانه، بسیاری مسیحیان بدون توجه به تاریخچه این آیه، آن را شاهی بر صحت تثلیث می‌دانند.

همچنین انجیل مرقس ۱: ۴۰، در مورد شفا یافتن یک شخص ابرص توسط عیسی سخن می‌گوید، ولی این آیه بیانی داشته است که عظمت و جلال عیسی را زیر سوال می‌برد، حال ببینیم که نسخه‌های قدیمی، این آیه را چطور روایت کرده‌اند:

«ابرص نزد عیسی آمد، زانو زد و گفت: "اگر بخواهی، می‌توانی مرا تطهیر کنی" ۴۱ عیسی ناراحت بود، دست خود را بر او گذاشت "من می‌خواهم، پاک شو!"<sup>۲</sup>

چنان که در این روایت می‌بینیم، عیسی ﷺ در مواجهه با فرد ابرص، از او ناراحت می‌شود و از آنجا که این ناراحتی، به نظر نسخه برداران رفتاری مناسب با شأن منزلت عیسی ﷺ نبوده، آنها این عبارات را حذف کرده و عبارتی را می‌نویسند که در انجیل مرقس امروزی یافت می‌شود:

۱. عبارات درون قلاب، بخش‌های الحاقی می‌باشند.  
۲. ترجمه فارسی از NIV.

«و ابرصی پیش وی آمده، استدعا کرد و زانو زده، بدو گفت، اگر بخواهی، می‌توانی مرا طاهر سازی! عیسی ترحم نموده، دست خود را دراز کرد و او را لمس نموده، گفت، می‌خواهم. طاهر شو!»

با توجه به تغییری که در این متن ایجاد گردیده، دیگر عیسی از شخص ابرص ناراحت نمی‌شود، بلکه در اینجا، او رفتار مناسب و ترحم انگیزی از خود نشان می‌دهد که با شأن الوهی وی، سازگارتر است.

به عبارتی دیگر، نسخه بردار مسیحی، وقتی به این عبارت می‌رسد، نمی‌تواند به راحتی این عبارت را توضیح دهد و چهره عیسی در این آیه را، مخالف آن‌چه در مورد عیسی آموخته، می‌بیند، از این رو، عبارتی که حاکی از ناراحت شدن عیسی می‌باشد را، تغییر می‌دهد.<sup>۱</sup>

نمونه دیگر در اعمال رسولان ۲۰: ۲۸ است که نسخه "الکساندریانوس" و یا برخی نسخ دیگر، از عبارت "کلیسای ارباب" استفاده می‌کنند اما برخی از نسخه نویسانی که می‌خواستند به نوعی بر الوهیت عیسی تأکید کنند، به جای استفاده از واژه "کلیسای ارباب" از عبارت "کلیسای خداوند" سخن می‌گویند. پس در این آیه نیز، یک نسخه عیسی را "خدا"، و نسخه‌ای دیگر او را "ارباب" خطاب می‌کند.<sup>۲</sup>

### تغییرات متنی برضد یهودیان

گرایش‌های ضد یهودی در میان مسیحیان باعث شده است تا نسخه برداران، تغییراتی را در متن کتاب مقدس اعمال کنند. به عنوان مثال وقتی حکایت لوقا از تصلیب عیسی را مطالعه می‌کنیم، طبق بیان او عیسی به همراه دو مجرم دیگر به صلیب کشیده می‌شود. عیسی در حالی که میان آن دو مجرم قرار گرفته، اینگونه خدا را خطاب می‌کند: "پدر! آنان را ببخش زیرا آنها نمی‌دانند چه می‌کنند."<sup>۳</sup>

هم اکنون این عبارت را در نسخه‌های قدیمی بررسی می‌کنیم:

وقتی نسخه‌های قدیمی و با کیفیت را بررسی می‌کنیم، می‌بینیم که این عبارت در آن‌ها وجود ندارد.<sup>۴</sup> در عین حال، این عبارت در "کدکس سایناتیکوس"<sup>۵</sup> و بسیاری از نسخه‌هایی که در قرون وسطی نوشته شده‌اند، یافت می‌شود. این اختلاف میان نسخه‌ها، تنها با دو فرض قابل حل است: یا این عبارت توسط نسخه بردارانی

1. Ehrman, 2005, p. 200.  
2. Ehrman, 2005, p. 200.

۳. لوقا ۲۳:۳۳-۳۴.

4. Spence, n.d.  
5. Sinaticas Codex.

که نسخه‌های قدیمی را استنساخ می کرده‌اند، به نسخه‌های بعدی اضافه شده و یا اینکه این عبارت، از ابتدا در نسخه‌های اصلی اناجیل وجود داشته و بعدها حذف گردیده است.<sup>۱</sup>

از جمله نظریاتی که در خصوص عبارت مذکور مطرح شده، این است که این عبارت، نمی‌تواند حقیقتاً مربوط به این انجیل باشد، زیرا نسخه‌های قدیمی و با کیفیت، فاقد این عبارت می‌باشند. حال سوال این است که این عبارت، چگونه وارد کتاب مقدس شده است؟

### راه حل اول

در کتاب اعمال رسولان، داستان اولین شهید مسیحی به صورت تفصیلی بیان می‌شود، نام او «استیفان»<sup>۲</sup> است. او به اتهام کفر، سنگسار می‌شود. او در هنگام اجرای حکم، برای اشخاصی که وی را محاکمه می‌کنند، دعا می‌کند و می‌گوید: "خدایا! این گناه را بر آنها نگاه ندارد."

نسخه برداران که نمی‌خواستند عیسی را در بخشش، کمتر از استیفان نشان دهند، این عبارت را به روایت تصلیب عیسی اضافه می‌کنند تا اینگونه، عیسی هم برای کسانی که او را اعدام می‌کنند، طلب مغفرت کرده باشد و در بخشش، درجه پایین تری از استیفان نداشته باشد.

### اشکال راه حل اول

گرچه این استدلال به نظر بسیاری اقناع کننده می‌آید، ولی برخی پژوهشگران اشکالاتی بر این نظریه وارد کرده‌اند. برای مثال برخی گفته‌اند هنگامی که نسخه نویسان می‌خواهند بین عبارات مختلف کتاب مقدس هماهنگی ایجاد کنند، این کار را با استفاده از همان لغاتی که در جایی دیگر از کتاب مقدس بکار رفته، انجام می‌دهند. ولی عبارتی که استیفان استفاده کرده، با عبارتی که عیسی، آنرا بیان می‌کند، متفاوت است. در نتیجه، تغییر ایجاد شده در آیه، نمی‌تواند با نگاه به روایت استیفان، روی داده باشد.

۱. منظور از اینکه می‌گوییم "نسخه برداران این را اضافه کرده‌اند"، به این معنی نیست که همه نسخه برداران این کار را کرده باشند، بلکه شاید بعضی و یا حتی یکی از نسخه برداران این کار را کرده باشد.

2. Stephen.



حال که نتوانستیم تفاوت میان این منابع را از راه اول، حل کنیم به دنبال راه حل دیگری برای این مسئله خواهیم گشت.

بسیاری از افراد که کتاب مقدس را مطالعه می‌کنند، شاید با این سوال مواجه شده باشند که مخاطب دعای عیسی چه کسانی بوده‌اند؟ آیا عیسی برای رومیانی که او را اعدام می‌کردند، دعا نموده یا برای یهودیانی که بانی اعدام او شده‌اند؟ وقتی آثار آباء کلیسا را نگاه می‌کنیم، به وضوح می‌بینیم که آن‌چه آنان از این دعا می‌فهمند، این بوده که عیسی در اینجا، برای یهودیان دعا می‌کرده است، نه برای رومیان. با این پیش فرض، جواب سوال ما آشکار می‌شود. حقیقت این است که دعای عیسی برای مخالفان خود در نسخه‌ها قدیمی وجود داشته و برخی از نسخه برداران سعی در حذف نمودن این آیات داشته‌اند.<sup>۱</sup>

این سوال برای مسیحیان نخستین پیرامون دعای عیسی وجود داشته است که چرا عیسی باید برای این مردمی دعا کند که خدا را قبول نکرده‌اند؟ بخصوص اینکه مسیحیان اعتقاد دارند خداوند، یهودیان را نمی‌بخشد زیرا او اجازه داده است که اورشلیم تخریب شود تا توانی برای اعمال یهودیان باشد. پس اعتقاد به بخشیده نشدن یهودیان باعث شد که آنان این دعای عیسی را از عبارت خارج کنند.

تغییر دیگری که این نسخه برداران در متن مقدس اعمال کرده‌اند این است که وقتی "پیلاتس" عیسی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهد، او را به سربازانش می‌دهد تا اعدامش کنند. ولی برخی نسخه‌ها نوشته‌اند که "پیلاتیس" او را به یهودیان داد تا عیسی را اعدام کنند. علت این تغییر این است که نسخه نویسان به دلیل دشمنی خود با یهودیان، قصد در بزرگ جلوه دادن گناه آنان داشته‌اند.

پس نهایتاً آن‌چه در مورد این عبارت می‌توانیم بگوییم این است که این عبارت، در نسخه اصلی انجیل وجود داشته و در حقیقت عیسی هم مانند استیفان، برای قاتلان خود دعا کرده است. ولی نسخه برداران، به خاطر بغض و نفرتی که از یهودیان داشتند، این عبارت را حذف کرده‌اند.<sup>۲</sup>

### تغییرات متنی برای پاسخ به منتقدان کتاب مقدس

یکی از انتقاداتی که زیاد درباره کتاب مقدس مطرح می‌شود ارجاعاتی است که عهد جدید به عهد عتیق می‌دهد و این رفرنس‌ها در عهد عتیق و یا در کتابی که عهد عتیق به آن رفرنس داده است یافت نمی‌شود از باب نمونه در مرقس ۲:۱ آمده است

1. Ehrman, 2005, p. 191.  
2. Ehrman, 2005, p. 193.

« چنان که در اشعیا نبی مکتوب است، اینک، رسول خود را پیش روی تو می فرستم تا راه تو را پیش تو مهیا سازد.» شخصی که این آیه را نسخه برداری می نموده، متوجه می شود که چنین عبارتی در کتاب اشعیای نبی وجود ندارد بلکه آیه در کتاب ملاکی ۱:۳ ذکر شده است و از این جهت، این بخش از آیه را تغییر می دهد.

### نتیجه

امروزه با پیشرفت علوم نقادی کتاب مقدس، اعتقاد به خطا ناپذیری کتاب مقدس سخت مورد تردید قرار گرفته است و حتی بسیاری از محققان مسیحی نیز به این نتیجه رسیده اند که دیگر نمی توان کتاب مقدس را، کلمه به کلمه وحی خدا دانست؛ زیرا به وضوح می توان دید که مضامینی بشری نیز، به این کتاب راه یافته است. نقد متنی که در این مقاله به آن پرداختیم، برای اثبات مدعی ما کافی بود ولی باید دانست که رشته های دیگری نیز در زمینة نقادی کتاب مقدس وجود دارند که هر کدام از آنها، به نحوی می تواند ما را در ادعای خود، مبنی بر وحیانی نبودن تک تک کلمات کتاب مقدس، یاری کند.

## منابع

١. سليمانى ، عبد الرحيم . مجله هفت آسمان، ش٨، مقالة «نقادی كتاب مقدس»
2. Bowman, Daniel, Retrieved in 03/04/2014 from: <http://irr.org/todays-bible-real-bible>
3. Colwell, Ernest Cadman, 1948, Retrieved in 09/04/2012 from: <http://www.jstor.org/stable/3261423>
4. Comfort, Philip Wesley, Encountering the Manuscripts, B&H Academic, 2005
5. Ehrman, D. Bart, Lost Christianities, Oxford University Press, 2003
6. Ehrman, D. Bart, Misquoting Jesus, HarperCollins, 2005
7. Ehrman, D. Bart, Studies in The Textual Criticism of The New Testament, Brill Academic Publishers, 2006
8. Ehrman, D. Bart, Whose word is it?, Bloomsbury Academic, 2006
9. Ellicott, C.J, A Bible Commentary for English Readers, Cassell and Company, 1905. From : <http://biblehub.com/commentaries/revelation/1-5.htm>
10. Freedman, David Noel, Allen C. Myers, Eerdmans Dictionary of the Bible, William B. Eerdmans Publishing Company, 2000
11. Fuller, Robert W, Demythologizing Jesus of Nazareth, Xulon Press, 2012.
12. Golomb, David marcus, Working with no data, Eisenbrauns, 1988
13. Green, Joel B., Hearing the New Testament, Wm. B. Eerdmans Publishing Co.; 2 edition, 2010
14. Hull, Robert F, The Story of the New Testament Text, Society of Biblical Literature, 2010
15. Kannaday, Wayne Campbell, Apologetic Discourse and the Scribal Tradition, Society of Biblical Literature, 2004
16. Metzger, B.m, Ehrman, B.D, The Text of New Testament, Oxford University Press; 4 edition, 2005
17. Porter, Stanley, Dictionary of Biblical Criticism, Routledge, 2007
18. Riches, John, The New Cambridge History of the Bible, Cambridge University Press, 2013
19. Robinson, B.A, 2008, Retrieved in 05/03/2013 form: [http://www.religioustolerance.org/chr\\_hcri.htm](http://www.religioustolerance.org/chr_hcri.htm)
20. small, Keith, A Quranic window onto New Testament Textual History, Lexington Books, 2012
21. Spence, H. D. M., The pulpit Commentary, Logos Research Systems, 2004 from: <http://biblehub.com/commentaries/egt/luke/23.htm>
22. Tov, Emanuel, Textual Criticism of the Hebrew Bible, Augsburg Fortress Publishers, 2001.
23. Wegner, Paul D., A Student's Guide to Textual Criticism of the Bible, IVP Academic, 2006.